

چگیده:

با توجه به اهمیت و نقش مدیریت در سازمان های عظیم کنونی، به عنوان دانش اداره کردن مجموعه ها و تدبیر استفاده بهینه از نیروها، شایسته است، دیدگاههای ارزشمند امام علی(ع) به عنوان یک مدیر کارآمد والگوی کامل، در تشکیل حکومت شیعی پردازیم. مقاله حاضر با بررسی حدود ۳۰ منبع دارای دو بخش عمده است: بخش اول مربوط به کلیات بحث (تعریف و تبیین، ضرورت، روش و اهداف موضوع، معرفی برخی تئوری های مدیریتی و...) می باشد. و بخش دوم به بیان مبانی اخلاقی مدیریت امام علی(ع) (پرهیزگاری، زهد، سعه صدر، علم، عاقبت اندیشی و...) و الگوهای عملی مدیریت امام(ع) (عدالت محوری، فرهنگ سازی، ایجاد انگیزه، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت، قاطعیت و...) می پردازد.

واژگان کلیدی:

مدیریت - مدیریت رحمانی و نفسانی - مدیریت علوی - الگوی اخلاقی و عملی

مقدمه

جهان امروز، دنیای پیشرفت علوم و تکنولوژی و مقطع تحولات شگرف در زندگی انسانهاست این تحولات، مرهون رشد کیفیت اداره مجموعه های عظیم انسانی و ایجاد سازمان هایی است که بتواند به بهترین شکل ممکن، این پدیده های نوین را به سوی اهداف مؤسسه‌ی آن، هدایت کند. در این خصوص، به موازات تحولات تاریخی تئوری های متفاوتی ارائه شده که هریک راهکاری مخصوص برای بهینه سازی مدیریت سازمان ها پیشنهاد می کند.

بالتابع این تئوری ها دارای نقاط ضعف فراوان، بوده اند و در این میان، متضررین اصلی این تئوری ها، گروه عظیمی از نیروهای انسانی بوده اند که بيرحمانه، جهت خدمت به تعدادی محدود و در راستای استراتژی این تئوری ها، به کارگرفته می شود. آنچه که در علم مدیریت، اهمیت فراوان دارد، روابط انسانی است. تنظیم و تعالی این روابط، از مباحث عمده دین اسلام است، در نتیجه دین اسلام، بهترین مطالب و مسائل را در این زمینه بیان داشته است.

مقاله حاضر که با تفحص در نهج البلاغه و بررسی حدود ۳۰ منبع و کتب ارزشمند دیگر، تدوین یافته، دارای دو بخش عمده است

بخش اول تحت عنوان کلیات، به تعریف و تبیین موضوع و ضرورت و اهداف تحقیق پیرامون موضوع و معرفی اجمالی برخی نظریه های معروف مدیریتی پرداخته است که می تواند زمینه مقایسه مبانی نظریات را با مبانی مدیریتی امام علی(ع) و تفوق مبانی مدیریتی امام، نسبت به سایر نظریات را، فراهم سازد.

بخش دوم، به بیان اصول و مبانی اعتقادی و عملی حضرت علی(ع)، در اداره جامعه بزرگ اسلامی، می پردازد

بخش اول: کلیات (طرح مقاله)

الف) تعریف و تبیین موضوع

تعریف مدیریت

مدیر، در علم صرف، اسم فاعل از ماده «دور» از مصدر اداره بروزن اقامه است که در لغت به معنای اداره کننده، گرداننده و کسی است که کاری را اداره کند (عیید ج ۲، ۱۳۶۰، ص ۱۷۸۲)

از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی برای واژه مدیریت ذکر شده است که برخی از تعاریف مهم بدین شرح است:

مدیریت: «فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردنیت، صورت می گیرد.» (مدیریت فعالیت های فرهنگی، مهدی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۰)

مدیریت: «علم و هنر متشكل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت های دستگمعی برای نیل به هدفهای مطلوب با حداکثر کارآیی است.» (اقتداری، ۶۱، ص)

مدیریت، عبارتست از: «کاربرد تکنیک های مختلف اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیتهای یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آنها را مدیران یا سرپرستان سازمانی می نامند.» (پرهیزگار، ص ۲۳)

همچنین به معنای:

«کارکردن با افراد و به وسیله افراد و گروهها برای تحقق هدفهای سازمانی» است. (هرسی - بلاچارد، ص ۱۳) تعاریف دیگری نیز از مدیریت یافت شده که وجه مشترک همگی این تعاریف، هنر یا علم اداره کردن گروه برای رسیدن به اهداف مشخصی است.

نکته مهم اینکه: تعاریف مذکور، اختصاص به مدیریت اسلامی ندارد، بلکه به طور کلی، منافع گروهی را - اگرچه با عدم رعایت برخی اصول اخلاقی مانند به کار بردن نیرنگ و ستم به دیگران همراه باشد - نیز شامل می گردد. بنابراین مدیریت ای که مورد قبول معیارهای دین اسلام باشد را چنین تعریف می کنیم: مدیریت، هنر یا دانش اداره کردن گروه و استفاده از نیروها و پشتونه ها برای رسیدن به اهداف و آرمانهای مشخص است ، به شرطی که با قوانین شرعی و اخلاقی مغایرت نداشته باشد.

تعريف الگو:

الگو در لغت به معنای نمونه و شکل چیزی است که از کاغذ یا مقوا بریده باشند مثل الگوی لباس که خیاط از روی آن پارچه را می برد (عمید، ج ۱، ص ۲۲۴) این واژه در زبان عربی، معادل کلماتی همچون «قالب»، «نمودج»، «باترون التفصیل»، است و در فرهنگ دین اسلام، در حقیقت، به عملکرد شخصیتی برجسته و کامل، در مقابل دوستدارانش اشاره می کند که با انجام اعمال قابل تحسین، آنان را مجدوب خویش می سازد و معمولاً نوع عملکرد این نوع شخصیت، بیشتر از سخنان او در عامه مردم تأثیر می نهد.

احادیث فراوانی در مورد الگودهی عملی یک مسلمان، وجود دارد. به عنوان مثال، امام صادق(ع) می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغير السنتكم»: مردم را با غیر زبانهایتان به دینداری دعوت کنید یعنی الگوی عملی مردم باشید.

تعريف اصول و مبانی

اصل در لغت به معنای بیخ، بن و ریشه و بنیاد و نژاد هرچیز است (عمید، ج ۱، ص ۱۸۰) مبنا به معنای محل بنا و ریشه و پایه و بنیان چیزی است (همان، ج ۲، ص ۱۷۴۸) منظور از اصول و مبانی مدیریت، زیرساخت ها و ریشه های تشکیل دهنده فرایند مدیریت است که براساس این زیرساختها، توانمندی و میزان پایستگی مدیریت، شکل می یابد

تعريف حکومت

حکومت در لغت به معنای «فرمانروایی کردن، فرمان دادن، دولت، دستگاه دولتی، سیاست مداران، حکمرانان، هیئت حاکمه متشكل از مجموعه افرادی که متصدی اداره شئون مختلف کشور هستند، داوری و...» آمده است (ن ک:المنجد، ماده حکم و عمید، ج ۱، ص ۸۰۳) (۱۴۱، ص ۱۲: بی تا)

ابن منظور در باره این واژه می نویسد: «أصل الحكمه رد الرجل عن الظلم» (بی تا: ۱۴۱، ص ۱۲) معنای اصلی حکومت، باز داشتن فرد از ظلم و ستمگری است.

در اصطلاح فقهی نیز حکومت، به معنای لغوی نزدیک است و به معنای «فرمانروایی کردن، فرمان دادن و دادرسی و قضا» به کار رفته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲)

در اصطلاح حقوق اساسی و علوم سیاسی، حکومت عبارت است از: «سازمانی دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی، مانند قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ۹۴/۱)

هدف این سازمان، پیشبرد اهداف موردنظر و تأمین همه جانبه منافع و رفع نیازهای اتباع خود است. از نظر عقلی، حکومت به این معنا ضروری و لازم است.

ب) فدوت و اهداف

هدف نهایی خداوند از آفرینش انسان، رسیدن او به کمال و سعادت جاودان است. از سویی دیگر، هیچ انسانی به تنها بی قابلی زندگی نیست. انسانها، برای ادامه حیات به یکدیگر نیازمندند و هر کجا گروه یا امتی وجود داشته، برای رفع اختلاف میان افراد آن و بقای آن امت یا گروه، نیاز به وجود مدیر و مسئول، احساس می شود و هر روز که جامعه انسانی به تکامل می رود، مدیریت نیز در اشکال مختلف، لزوم بیشتری می یابد. در نتیجه، جوامع انسانی، بدون مدیریت به کمال نمی رستند.

علاوه بر این، گستره مدیریت ها در عرصه های مختلف جامعه، اجزای پیکره نظام آن جامعه را تشکیل می دهند. بنابراین، جامعه انسانی، نیازمند انواع مدیریت هاست و وجود مدیریت های سالم در مراتب و درجات مختلف سیستم های جامعه، امری اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار است.

امام علی (ع) در بیان ضرورت برنامه ریزی که یکی از مبانی مهم مدیریت است، می فرمایند: امارات الدول انشاء الحیل: بقای دولت ها، مربوط به برنامه ریزی و چاره اندیشی در امور است. (محمدی ری شهری، ۲، ص ۵۵۱) و این نیز مؤید لزوم مدیریت در جامعه است.

با توجه به رویکرد مدیریتی دین اسلام، تبیین جایگاه مدیریت در دین اسلام و ارائه راهکارهای عملی پیشوايان دين اسلام ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

ج) شیوه تحقیق

برای شناخت اصول و مبانی مدیریت امام علی (ع)، ضرورتی وجود ندارد که لزوماً یک روش به عنوان روش انحصاری معرفی گردد.

این مقاله بر اساس نوع موضوع، در رسته تحقیقات توصیفی - تاریخی ، قرار دارد که به شیوه کتابخانه ای انجام شده است. بنابراین در وله اول، با استفاده از روش کتابخانه ای به منابع موجود مراجعه شد، آنگاه با استفاده از روش استنباطی و تفسیری که از زمرة روش‌های کیفی است، در متون دینی کنکاش صورت گرفت.

خصوصاً، خطبه ها و نامه های امام علی(ع) به استانداران و فرمانداران، که به عنوان منبع اصلی برای تبیین و تحقیق در موضوع، مورد استناد واقع شده است.

اگرچه تحقیق در این موضوع، بدیع و جدید نیست اما تلاش بر این بوده که در حد توان، از زاویه ای جدید، اصول و مبانی مدیریت علوی، در قالب مقاله ای موجز ارائه گردد.

د) پیشنهاد موضوع

اولین مدیر و مدبیر، خداوند متعال است که علاوه بر خلقت عالم، تدبیر و مدیریت آن را نیز بر عهده دارد و جهان را به حال خود رها نکرده و هیچ چیز را بیهوده نیافریده است: «و ما خلقت الجن و الانس إلَى لِيَعْبُدُونَ» (ذاريات/ ۵۶)

مدیریت سازمان عظیم ملائکه و به کارگماردن هر یک در جایگاه مخصوص خود (به عنوان مثال حضرت جبراییل که دارای مسئولیت مهمی است و در قرآن به عنوان: مطاع ثم امین، از او یاد شده است) و تقسیم بندی مسئولیت های آنان، نظارت و پیگیری مستمر برکیفیت کار آنها و اداره هوشمندانه تمامی جهان خلقت، نمونه ای از مدیریت بی بدیل پروردگار است.

مدیریت بشری نیز دارای پیشنهاد و قدمتی کهن است. در طول تاریخ مدیران فراوانی اداره جامعه اطراف خویش را بر عهده داشتند که در رأس آنان پیامبران الهی و افراد برجسته، از بهترین مدیران جامعه بشری بوده اند. پیامبرانی همانند حضرت داود، هارون، یوسف(ع) و حضرت سلیمان(ع) و خاتم پیامبران، رسول اکرم(ص) که در سوره های قرآن، شیوه های مدیریتی این پیامبران بیان شده است علاوه بر این، افراد بزرگمنشی همانند ذوالقرنین، ملکه سبا نیز به عنوان مدیر در قرآن مجید معرفی شده اند که شناخت ویژگی های شخصیتی و روش‌های اعمال مدیریتی هریک از مدیران مذکور می تواند مارا برای دستیابی به مبانی و اصول مدیریت نمونه یاری رساند.

از سویی دیگر، قرآن مجید، نمونه های بارزی از مدیریت منحرف و ناصواب را ذکر می کند. مانند مدیریت فرعون:

قرآن می فرماید: «و مأْمُرٌ فرعونٌ بِرُشِيدٍ» (هود/ ۹۷) یعنی: مدیریت فرعون دارای رشد نبوده تا دیگران را به سعادت برساند. برخلاف ادعای متکبرانه وی که می گفت: «و مَا أَرَاكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَ مَا هَدَيْكُمْ إِلَّا سَبِيلٌ الرِّشادِ» (مؤمن/ ۲۹) یعنی: من، جز آنچه که معتقدم به شما ارائه نمی دهم و شمارا جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم.

أَلَا إِنَّ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا يَخْوِفُهُمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (يوسوس/٦٢) آگاه باشید اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند

امام علی(ع) می فرماید: الجبن ذل ظاهر ترس، ذاتی آشکار است.(همان، ص ۳۲)

- ۳- کسب رضایت دیگران:

امام علی(ع) می فرماید:

- وَ لَا تَسْخُطَ اللَّهَ بِرْضَى أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِهِ إِنَّ فِي اللَّهِ خَلْفًا مِّنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فِي

غیره(نامه ۲۷) و هرگز خداوند را برای رضایت احده از مخلوقاتش به خشم نیاور، چراکه

خداوند جای همه کس را می گیرد و کسی نمی تواند جای خداوند را بگیرد.

- وَ الْزَّمُ الْحَقَّ مِنْ لَزْمِهِ مِنَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ كَنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ

و خاستگ حیث وقع و ابتغ عاقبته بما یتقل علیک منه فَإِنْمَعْبَهُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ(نامه ۵۳) حق را

درباره آن که شایسته است، چه خویشاوند و چه بیگانه رعایت کن و در این باره صابر باش

و به حساب خدا بگذار، هرچند این کار موجب فشار بر یاران نزدیک شود و سنتگینی این

راه را برای سرانجام ستوده آن تحمل کن.

- لَا يَسُؤْنُكَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ كَانَ ذَنْبًا عَجَلَتْ عَقَوبَتِهِ وَ إِنْ كَانَ

عَلَىٰ خَلَافِ مَا قَالُوا كَانَتْ حَسَنَةٌ لَمْ تَعْمَلْهَا(الأَمْدَى، ج ۲، ص ۳۳۵) سخنانی که مردم درباره تو می

گویند تو را ناراحت نسازد زیرا اگر همان گونه که می گویند گناهی باشد، در کیفر آن تعجیل

شده است و اگر برخلاف آنچه می گویند باشد، حسنی ای است(برای تو) در حالی که آن

حسنی را انجام نداده ای.

۷. نظارت، کنترل و پیگیری مستمر

به طور کلی عملیات نظارت و کنترل در سه شیوه(نبوی، ص ۳۱۴) انجام می شود:

۱- نظارت آشکار: در این نوع نظارت مدیر مستقیماً وارد عمل می شود و بر امور نظارت می کند یا نیروی مشخصی را برای نظارت معرفی می نماید.

۲- نظارت درونی: این نوع نظارت، غالباً در افراد با ایمان به طور قوی وجود دارد به این معنا که در وجود فرد که او را به انجام وظایفش متمایل سازد، این حالت ایجاد شود، بدون آنکه عاملی خارجی او را تحت کنترل خود داشته باشد.

۳- نظارت پنهانی: در این نوع نظارت، افرادی ناشناس عملکرد کارگزاران را تحت نظر قرار می دهند این نوع کنترل از اهمیت فراوانی برخوردار است امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر بر این نوع نظارت تأکید می کند:

« ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثْ الْعَيْنَ مِنْ أَهْلِ الصَّدْقَ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ إِنَّ تَعَاهِدَكُمْ فِي السُّرِّ لِأَمْرِهِمْ حَدُودٌ
لَهُمْ عَلَىٰ اسْتِعْمَالِ الْأَمْانَةِ وَ الرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ(نهج البلاغه نامه ۵۳)

سپس با فرستادن مأموران مخفی، راستگو و باوفا، کارهای آنان را زیرنظر بگیری، زیرا بازرسی مداوم پنهانی سبب می شود که آنها به امانت داری و مدارا کردن با زیرستان تغیب شوند.

۸. تلاش در اصلاح امور مردم

امام علی(ع) می فرماید:

- من کمال السعاده السعی فی اصلاح الجمهور (الأمدی، ج ۲ ص ۲۵۴) کوشش بر اصلاح امور مردم از کمال سعادت است

- آفه القدرة منع الاحسان (همان ج ۱ ص ۲۷۴) خودداری از نیکی به دیگران آفت قدرت است.
- من وشق بإحسانك أشفق على سلطانك (همان ج ۲ ص ۱۷۰) کسی که به نیکی تو مطمئن شد بر حکومت علاقه مند می گردد.

- و اجعل لذوى الحاجات منك قسماً تفرغ لهم فيه شخصك و مجلس لهم مجلساً عاماً فتواضع فيه لله الذي خلقك... (نامه ۵۳) برای مراجعت خود وقتی مقرر کن که به نیاز آنها شخصاً رسیدگی کنی، مجلس عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده و درهای آن را به روی هیچ کس نبند و برای خداوندی که تو را آفریده تواضع کن...

۹. اطلاع (سانی و بهره گیری از مشاورین

خداؤند متعال به رسول اکرم که کاملترین انسان است دستور مشاوره با مردم می دهد:
و شاورهم فی الأمر (آل عمران ۱۵۹) با آنان در کارها، مشورت کن

امام رضا(ع) می فرماید: إنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعْزِمُ عَلَى مَا يَرِيدُ (الحرالعاملى ج ۸ ص ۴۲۸ باب ۲) پیامبر اکرم(ص) با اصحاب مشورت می کرد، سپس مطابق آنچه می خواست تصمیم می گرفت
امام علی(ع) حق مشورت را از حقوق قطعی مردم می داند و می فرماید:

- أَلَا وَإِنْ لَكُمْ عِنْدِي أَلَا احْتَجِزْ دُونَكُمْ سَرًا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أَطْعِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حَكْمٍ (نامه ۵۰) آگاه باشید حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می آید، جز حکم الهی، کاری بدون مشورت شما انجام ندهم.

۱۰. وفای به عهد:

وفای به عهد از مهمترین ویژگی مؤمنین است. امام علی (ع) در نامه مالک اشتر وفای به عهد را از مهمترین فرائض خدایی می داند و می فرماید:

«وَإِنْ عَقدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عَقدَهُ أَوْ أَبْسَهَ مِنْكَ ذَمَهُ فَحَظَ عَهْدَكَ بِالْوَفَاءِ وَأَرْعَ ذَمَكَ بِالْأَمَانَهِ وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَهِ دُونَ ما أَعْطَيْتَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءَ النَّاسِ اشَدَ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفْرِقَهُوَنَّهُمْ وَتَشَتَّتَ ارَائِهِمْ مَنْ تَعْظِيمُ الْوَفَاءِ بِالْعَهُودِ:» اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه به عهده گرفتی، امانت دار باش و جان

خود را سپر پیمان خود گردان! زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست همه مردم جهان با تمام اختلاف آرائی که دارند حتی در زمان جاهلیت به عهد خود وفادار بودند.(نامه ۵۳)

یافته های پژوهش:

از آنچه که گفته شد، این نتایج به دست می آید:

- ۱- برای پیشرفت و تعالی روابط انسانی و نیل به سعادت و حفظ بنیان جامعه و پیش گیری از آسیب های ناشی از تشتت سیستمی نیروهای انسانی، وجود مدیریتی متكامل لازم است.
- ۲- سیره علوی، در راستای نفی بدعت ها و اقامه شریعت و تبعیت از خط راستین تعالیم اسلام، نمونه بارز یک مدیریت متكامل است.
- ۳- شناخت این مدیریت متكامل می تواند از طرق مختلفی صورت پذیرد. از جمله با:
 - تبیین مختصات سیره مدیریتی علوی
 - توجه و تفحص در عملکرد صریحانه امام علی(ع) در دفاع از حق، مقابله با مسامحه، اغماض و نادیده انگاری، حراست از اقامه حدود و احکام الهی و در یک کلام: جانبداری و جانبازی حضرت، در راه بیان حقیقت و اقامه عدالت.

فهرست مراجع و مآخذ:

- القرآن الكريم
- ابن منظور افريقي، محمد، لسان العرب، بيروت، دار الفكر، بي. تا.
- اقتداری، علی محمد، سارمان و مدیریت، چاپ ۲۵، تهران، انتشارات مولوی.
- الامدی التمیمی، عبدالواحدین محمد، غرر الحكم و درر الكلم، دارالكتب الاسلامیه، الطبعه الثانية، قم، ۱۴۱۰ هـ
- پرهیزگار، کمال، تئوری های مدیریت، انتشارات اشراقی، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینو لوثی حقوق، ۱۳۷۴.
- جمعی از نویسندهای زندگانی چهارده مucchom، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- حسینی، مهدی، مدیریت فعالیت های فرهنگی، قم، نشرهاجر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- الحرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعه الخامسة، بيروت، ۱۳۹۴ هـ ق
- الحر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشیعه، بيروت، دار احیاء التراث العربي، الطبعه الرابعة، ۱۳۹۱ هـ ق.
- دشتی، محمد، امام علی(ع) و مدیریت، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
- رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، چاپ ششم.
- رضایی نژاد، عبدالرضا، دانش مدیریت امروز، تهران، مؤسسه رساء، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- عطاردی قوچانی، غدیرالله، امیرالمؤمنین و نهج البلاغه، تهران، عطارد، ۱۳۷۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۶ هـ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۰ هـ ش.
- قوامی، سید صمیم الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- کریمی تبار، الله نور، حقوق متقابل مردم و حکومت از دید امام علی(ع)، تهران، رضوان، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحكمه، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الرابعه، بی جا، ۱۳۷۲ هـ ش.
- مألف لویس، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۴ هـ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه وتاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸
- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدر، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۸ هـ ش.

- همان، حکمت‌ها و اندرزها، چاپ سوم، ۱۳۷۳هـ ش.
- همان، عدل‌الهی، چاپ سوم، ۱۳۷۳هـ ش.
- معروف‌الحسنی، هاشم، زندگی‌نامه امیرالمؤمنین، ترجمه: علی‌شیخ‌الاسلامی، تهران، مؤسسه‌اهل‌البیت.
- الموسوی، ابوالحسن‌محمد‌الرضی‌بن‌الحسن، **نهج‌البلاغه**، تصحیح: محمد‌دشتی، ترجمه: محمد‌رضا‌آشتیانی - محمد‌جعفر‌امامی، نشر‌امام‌علی(ع)، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۹هـ ش.
- نبوی، محمد‌حسن، مدیریت‌اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات‌اسلامی حوزه‌علمیه‌قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۱هـ ش.
- هرسی، پل - کنت بلاچارد، مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع انسانی، مترجم: علی‌علاقه‌بند، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱هـ ش.

فهرست مجلات:

- معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌علمیه‌قم، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۱۹.
- معاونت فرهنگی تربیتی حوزه‌های علمیه خواهران، ماهنامه یاس، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۱.
- فصل‌نامه مصباح، شماره ۱۹